

## فهرست مطالب

۵	علام اختصاری
۷	مقدمه
۱۵	قانون تجارت
۱۵	باب اول - تجار و معاملات تجاری
۵۳	باب دوم - دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری
۵۳	فصل اول - دفاتر تجاری
۷۱	فصل دوم - دفتر ثبت تجاری
۷۵	باب سوم - شرکت های تجاری
۷۵	فصل اول - در اقسام مختلفه شرکت ها و قواعد راجع به آنها
۷۸	مبحث اول - شرکت سهامی
۸۴	مبحث دوم - شرکت با مسئولیت محدود
۱۲۰	مبحث سوم - شرکت تضامنی
۱۴۷	مبحث چهارم - در شرکت مختلط غیرسهامی
۱۵۲	مبحث پنجم - شرکت مختلط سهامی
۱۵۸	مبحث ششم - شرکت نسبی
۱۷۲	مبحث هفتم - شرکت های تعاونی تولید و مصرف
۱۷۹	فصل دوم - در مقررات راجعه به ثبت شرکت ها و نشر شرکت نامه ها
۱۸۳	فصل سوم - در تصفیه امور شرکت ها
۱۸۹	فصل چهارم - مقررات مختلفه
۱۹۵	باب چهارم - برات - فته طلب - چک
۱۹۵	فصل اول - برات
۱۹۵	مبحث اول - صورت برات
۲۱۳	مبحث دوم - در قبول و نکول
۲۳۳	مبحث سوم - در قبولی شخص ثالث
۲۳۸	مبحث چهارم - در وعده برات

۲۴۳	.....	مبحث پنجم - ظهرونیسی
۲۶۴	.....	مبحث ششم - مسئولیت
۳۰۱	.....	مبحث هفتم - در پرداخت
۳۱۶	.....	مبحث هشتم - تأدیه وجه برات به واسطه شخص ثالث
۳۲۳	.....	مبحث نهم - حقوق و وظایف دارنده برات
۳۴۵	.....	مبحث دهم - در اعتراض (پروست)
۳۵۲	.....	مبحث یازدهم - برات رجوعی
۳۵۷	.....	مبحث دوازدهم - قوانین خارجی
۳۵۹	.....	فصل دوم - در فته طلب
۳۸۵	.....	فصل سوم - چک
<b>قانون صدور چک</b>		
۴۲۲	.....	فصل چهارم - در مرور زمان
۵۱۷	.....	باب پنجم - اسناد در وجه حامل
۵۲۴	.....	باب ششم - دلالتی
۵۲۸	.....	فصل اول - کلیات
۵۳۱	.....	فصل دوم - اجرت دلال و مخارج
۵۴۰	.....	فصل سوم - دفتر
۵۴۶	.....	باب هفتم - حق العمل کاری (کمیسیون)
۵۴۷	.....	باب هشتم - قرارداد حمل و نقل
۵۶۵	.....	باب نهم - قائم مقام تجاری و سایر نمایندگان تجاری
۵۹۸	.....	باب دهم - ضمانت
۶۰۵	.....	باب یازدهم - در ورشکستگی
۶۱۸	.....	مبحث نخست: شرایط لازم برای
۶۱۸	.....	مبحث دوم: آثار حکم ورشکستگی
۶۲۵	.....	مبحث سوم: تصفیه ورشکستگی
۶۳۴	.....	مبحث چهارم: اعاده اعتبار
۶۴۹	.....	فصل اول - در کلیات
۶۵۱	.....	فصل دوم - در اعلان ورشکستگی و اثرات آن
۶۶۰	.....	فصل سوم - در تعیین عضو ناظر
۷۱۲	.....	

فصل چهارم - در اقدام به مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته .....	۷۱۴
فصل پنجم - در مدیر تصفیه .....	۷۱۷
فصل ششم - در وظایف مدیر تصفیه .....	۷۲۰
مبحث اول - در کلیات .....	۷۲۰
مبحث دوم - در رفع توقیف و ترتیب صورت داریی .....	۷۲۳
مبحث سوم - در فروش اموال و وصول مطالبات .....	۷۲۴
مبحث چهارم - در اقدامات تأمینیه .....	۷۲۷
مبحث پنجم - در تشخیص مطالبات طلبکارها .....	۷۲۷
فصل هفتم - در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته .....	۷۳۴
مبحث اول - در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها .....	۷۳۴
مبحث دوم - در قرارداد ارفاقی .....	۷۳۵
فقره اول - در ترتیب قرارداد ارفاقی .....	۷۳۵
فقره دوم - در اثرات قرارداد ارفاقی .....	۷۴۵
فقره سوم - در ابطال یا نسخ قرارداد ارفاقی .....	۷۴۹
مبحث سوم - در تفریغ حساب و اختتام عمل ورشکستگی .....	۷۵۸
فصل هشتم - در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هر یک از آنها .....	۷۶۶
مبحث اول - در طلبکارهایی که رهینه منقول دارند .....	۷۶۶
مبحث دوم - در طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حق تقدم دارند .....	۷۶۸
فصل نهم - در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول .....	۷۷۰
فصل دهم - در دعوای استرداد .....	۷۷۳
فصل یازدهم - در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی .....	۷۸۱
باب دوازدهم - در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب .....	۷۸۶
فصل اول - در ورشکستگی به تقصیر .....	۷۸۶
فصل دوم - در ورشکستگی به تقلب .....	۷۹۹
فصل سوم - در جنبه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می‌شوند .....	۸۰۳
فصل چهارم - در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته در صورت ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب .....	۸۰۹
باب سیزدهم - در اعاده اعتبار .....	۸۱۰

۸۲۱	قانون اداره تصفیہ امور ورشکستگی
۸۲۱	مبحث اول - سازمان اداره تصفیہ
۸۲۷	مبحث دوم - اقدامات تأمینی اداره تصفیہ
۸۳۰	مبحث سوم - دعوت پستانکاران
۸۳۳	مبحث چهارم - اداره اموال
۸۳۴	مبحث پنجم - رسیدگی به مطالبات
۸۳۵	مبحث ششم - تصفیہ
۸۳۸	مبحث ہفتم - تقسیم وجوہ حاصلہ از فروش
۸۳۹	مبحث ہشتم - خاتمہ ورشکستگی
۸۴۰	مبحث نہم - مقررات مالی
۸۴۱	مبحث دہم - مقررات مخصوص

#### ۸۴۹ آیین نامہ اداره تصفیہ امور ورشکستگی

۸۴۹	فصل اول - صورت مجلس ها و حسابداری
۸۴۹	مبحث اول - مقررات عمومی
۸۵۰	مبحث دوم - صورت مجلس ها
۸۵۱	مبحث سوم - نگاهداری اسناد ورشکستگی
۸۵۲	مبحث چہارم - نگاهداری دفاتر حسابداری
۸۵۳	فصل دوم - اجرای مقررات مربوط بہ مراحل تصفیہ ورشکستگی
۸۵۳	مبحث اول - تہیہ صورت دارایی
۸۵۵	مبحث دوم - دعوت پستانکاران
۸۵۶	مبحث سوم - اداره اموال
۸۵۶	مبحث چہارم - رسیدگی بہ مطالبات
۸۵۷	مبحث پنجم - تصفیہ
۸۵۸	مبحث ششم - تقسیم وجوہ حاصلہ
۸۵۹	مبحث ہفتم - خاتمہ ورشکستگی
۸۶۲	مبحث ہشتم - تصفیہ اختصاری
۸۶۲	مبحث نہم - مقررات مخصوص

آیین‌نامه (نظام‌نامه) موادی از قانون تجارت در خصوص تصفیه امور ورشکستگان	۸۶۳
جدول تطبیق احکام قانونی راجع به اقدامات اداره تصفیه، مدیر تصفیه و عضو ناظر	۸۶۷
باب چهاردهم - اسم تجاری	۸۶۸
باب پانزدهم - شخصیت حقوقی	۸۷۵
فصل اول - اشخاص حقوقی	۸۷۵
فصل دوم - حقوق و وظایف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی	۸۸۰
باب شانزدهم - مقررات نهایی	۸۸۳
بخش اول - اصلاح قسمتی از قانون تجارت	
مبحث اول - شرکت‌های سهامی	۸۸۵
بخش ۱ - تعریف و تشکیل شرکت سهامی	۸۸۵
بخش ۲ - سهام	۹۱۷
بخش ۳ - تبدیل سهام	۹۳۸
بخش ۴ - اوراق قرضه	۹۴۲
بخش ۵ - مجامع عمومی	۹۵۲
بخش ۶ - هیأت مدیره	۹۹۱
بخش ۷ - بازرسان	۱۰۵۱
بخش ۸ - تغییرات در سرمایه شرکت	۱۰۶۴
بخش ۹ - انحلال و تصفیه	۱۰۹۶
بخش ۱۰ - حساب‌های شرکت	۱۱۱۸
بخش ۱۱ - مقررات جزایی	۱۱۲۹
بخش ۱۲ - مقررات مختلف مربوط به شرکت‌های سهامی	۱۱۳۶
جدول مشخصات عمومی شرکت‌های تجاری	۱۱۵۷
جدول زمان تشکیل شرکت‌های تجاری و تشکیلات غیرتجاری و دولتی	۱۱۶۲
جدول مقایسه‌ی شرکت سهامی با شرکت مسئولیت محدود	۱۱۶۳
جدول مقایسه‌ی شرکت سهامی با شرکت تضامنی	۱۱۶۶
جدول مقایسه‌ی شرکت سهامی با شرکت مختلط غیرسهامی	۱۱۶۸
جدول مقایسه‌ی شرکت سهامی با شرکت مختلط سهامی	۱۱۷۰

۱۱۷۲	جدول مقایسه‌ی شرکت سهامی با شرکت نسبی
۱۱۷۴	جدول مقایسه‌ی شرکت سهامی با شرکت تعاونی
۱۱۷۸	جدول موضوعی لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
۱۲۰۲	جدول مجامع عمومی شرکت سهامی
۱۲۰۴	جدول اکثریت‌های قانون تجارت
۱۲۰۸	جدول روزنامه‌های قانون تجارت
۱۲۱۸	جدول ذینفعان قانون تجارت
۱۲۲۴	جدول مسؤولیت‌های تضامنی قانون تجارت
۱۲۲۵	جدول توافق‌های قانون تجارت
۱۲۳۱	جدول اشخاص ثالث قانون تجارت
	جدول موضوعات فعالیت نیازمند اخذ مسجوز از مراجع
۱۲۳۵	ذی صلاح

## قانون تجارت

مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ کمیسیون قوانین عدلیه با اصلاحات بعدی

### باب اول - تجار و معاملات تجاری

ماده ۱ - تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد. تعریف تاجر

باید شغل آنها باشد و تکرار اعمال مزبور به تنهایی کافی نیست.

- هر شخصی برای تاجر تلقی شدن لازم نیست صرفاً به کارهای تجاری بپردازد؛

بلکه اگر در کنار اشتغال به تجارت به کار غیرتجاری دیگری نیز مشغول باشد، باز هم تاجر تلقی می‌شود.

تاجر در هر موضوعی که شغل او باشد اگر به موجب قانون از انجام دادن اعمال تجاری ممنوع باشد؛

یا این‌که عمل تجاری را به صورت پنهان انجام دهد؛

یا به وسیله اشخاص دیگری که به ظاهر به نام او برای خود ولی در واقع برای او عمل می‌کنند، صرفاً به دلیل انجام دادن اعمال تجاری تاجر تلقی می‌شود.

#### ب) اشخاص حقوقی تاجر

آ: اشخاص حقوقی موضوع حقوق خصوصی

اول) شرکتهای تجاری:

شرکتهای تجاری تاجر محسوب می‌شوند، چه موضوع آنها تجاری باشد مثل شرکتهای تضامنی، نسبی، یا مسئولیت محدود، مختلط

#### ۱ - الف) اشخاص حقیقی تاجر:

شرط اول) انجام دادن امور تجاری به نام و حساب خود شخص

- «تجارت» شغلی مستقل است و اگر کسی به نام و حساب دیگری عمل تجاری انجام دهد آن عمل، امر را تاجر می‌کند، نه انجام‌دهنده آن را.

- منظور از «امور تجاری»؛ اموری است که قانونگذار آنها را ذاتاً تجاری می‌داند.

بنابراین نمی‌توان اعمال تجاری تبیی را ملای تاجر بودن قرار داد؛

زیرا این اعمال خود وقتی تجاری هستند که تاجر آنها را انجام دهد.

- بدین ترتیب «قائم مقام تجاری» (ماده ۳۹۵ ق.ت.ا)، «خسعه تجارتخانه»، «شرکاء» و «سهامداران» (ماده ۵۲ ل.ا.ق.ت.) و هم‌چنین «مدیران شرکتهای تجاری» را نمی‌توان تاجر محسوب نمود.

شرط دوم) قراردادن امور تجاری به عنوان شغل معمولی خود

- «شغل»؛ یعنی فعالیت برای امرار معاش، بنابراین برای آنکه فعالیت‌های مندرج در ماده ۲ ق.ت.ا به انجام‌دهنده آن وصف تاجر بدهد

الیه پیش‌بینی سود برای تشکیل‌دهندگان شخص حقوقی ملاک تشخیص نخواهد بود؛ زیرا هم در مورد شرکت تجاری و هم در مورد مؤسسات غیر تجاری جستجوی سود و تقسیم آن بین اعضاء مجاز است.

ملاک مهم، فعالیت شخص حقوقی است که در مورد مؤسسات غیر تجاری باید عمل غیرتجاری باشد؛ مانند: فعالیت‌های ورزشی، هنری، ادبی و مذهبی.

هنگام پرداختن به این گونه فعالیت‌ها مستلزم انجام دادن معاملات تجاری باشد این معاملات که فرع بر فعالیت‌های اصلی غیرتجاری آنهاست، این مؤسسات را تاجر نمی‌کند.

به عکس، اگر فعالیت غیر تجاری شخص حقوقی تحت‌الشعاع فعالیت تجاری آن باشد یا اصولاً شخص حقوقی بخواهد در قالب مؤسسه غیرتجاری به‌فعالیت تجاری مبادرت کند، عمل غیرتجاری موضوع فعالیت او در حقیقت آن شخص حقوقی به‌عنوان یک شرکت تجاری تأثیری نخواهد داشت.

فی‌الواقع هرگاه دو یا چند نفر توافق کنند آورده‌هایی بیاورند و به کار بازرگانی بپردازند توافقشان یک شرکت تجاری عملی است و این شرکت تجاری به حکم ماده ۲۲۰ ق.ت. شرکت تضامنی تلقی می‌شود و ثبت آن به عنوان مؤسسه غیرتجاری در این وضع تأثیری ندارد.

**توجه:** انجام اعمال غیر تجاری در قالب اشخاص حقوقی به سه روش میسر است:

- ۱- اول) تأسیس مؤسسات غیرتجاری؛
- ۲- دوم) تشکیل شرکت تعاونی؛
- ۳- سوم) تشکیل شرکت سهامی (عام و خاص).

**II : اشخاص حقوقی موضوع حقوق عمومی**

سهامی و غیرسهامی و چه به لحاظ شکل، تجاری تلقی شود مانند شرکت‌های سهامی خاص و عام.

شرکت‌های تعاونی را باید از شرکت‌هایی تلقی کرد که موضوع فعالیت آن‌ها می‌تواند هم امور تجاری و هم غیر تجاری باشد.

به موجب مواد ۲۶ و ۲۷ قانون بخش تعاونی اقتصاد ج.ا.د مصوب ۱۳۷۰/۰۶/۱۳ با اصلاحات بعدی:

«تعاونی‌های تولیدی شامل تعاونی‌هایی است که در امور مربوط به کشاورزی، دامداری، پرورش و صیقل‌دهی میوه‌ها، صنعت، معدن، عمران شهری و روستایی و عشایری و نظایر این‌ها فعالیت می‌نمایند.

«تعاونی‌های توزیع» عبارتند از تعاونی‌هایی که نیاز مشاغل تولیدی و یا مصرف‌کنندگان عضو را در چهارچوب مصالح عمومی و به منظور کاهش هزینه‌ها و قیمت‌ها تسهیل می‌نمایند.

به این ترتیب می‌توان بر این نظر بود که: اگر موضوع فعالیت شرکت تعاونی انجام دادن یکی از اعمال تجاری مندرج در ماده ۲ ق.ت. باشد، شرکت تجاری و در غیر این صورت مؤسسه غیرتجاری هستند.

**دوم) تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری موضوع ماده ۵۸۴ ق.ت.:**

این‌که شخص حقوقی ایجاد شده با نام انجمن، کانون یا بنگاه و امثال آن ثبت شده است یا نه، مؤثر در تاجر بودن یا نبودن آن نیست و باید ماهیت حقوقی او را با توجه به موضوع فعالیت مندرج در اساس‌نامه معین کرد.

یعنی در هر مورد، باید مشخص شود که شخص حقوقی، تشکیلات غیرتجاری است یا شرکت تجاری.



حجر قائم مقام تجارتي تعيين نموده باشد که با توجه به ماده ۴۰۰ ق.ت. می‌توان استدلال نمود که قائم مقام مزبور می‌تواند امور تجارت‌خانه را اداره نماید.

علاوه بر آن چون نمایندگان قانونی محجورین در هر مورد باید ضابطه محجور را رعایت نمایند می‌توان استدلال نمود که اگر انحلال تجارت‌خانه محجور به‌ضرر او باشد نماینده قانونی او ملزم به نگاهداری آنست و اگر معاملاتی می‌نماید باید کاملاً در حدود عرف باشد.

بنابراین در مورد معاملات تجارتي محجور باید درجات مختلف قابل شد:

I: نگاهداری تجارت‌خانه و اداره اسوالم محجور که از وظایف قانونی ولی و قیم بوده و در حفظ و حراست آن باید مراقب بود.

II: معاملات عادی و محکم تجارتي که از حیث سبب نمایندگان قانونی محجور خارج بود ولی ضابطه محجور ممکن است تجویز نمود در بعضی موارد مانند خاتمه دادن به اختیارات محجور به صلح مستلزم اجازه دادستان است.

III: معاملات تجارتي که مستلزم تعهدات و خطراتی باشد که در این صورت نماینده قانونی محجور اصولاً نباید به چنین معاملاتی مبادرت کند.

نهایتاً اگر به واسطه عملیات تجارتي که از طرف قائم مقام تجارتي یا نمایندگان قانونی تاجر صورت می‌گیرد نمایندگان مزبور نتوانند از عهده انجام تعهدات خود برآیند:

از لحاظ حقوق تجارت چون عملیات مزبور جنبه تجارتي دارند باید حکم ورشکستگی صادر شود و مطابق مقررات ورشکستگی رفتار شود؛

اول) دولت و تشکیلات و مؤسسات دولتی مستقل:

این اشخاص حقوقی در قالب شرکت تشکیل نمی‌شوند و علی‌رغم آن‌که در بعضی موارد به فعالیت‌های موضوع ماده ۲ ق.ت. چون ساخت اسلحه یا کشتی‌های جنگی، می‌پردازند؛ از آنجا که برای اهداف تجارتي بدین امور نمی‌پردازند بلکه ناشی از وظایفی است که در جهت اعمال حاکمیتی برای اداره مملکت به عهده دارند، تاجر محسوب نمی‌شوند.

دوم) شرکت‌های دولتی: با توجه به مفاد ماده ۳۰۰ قانون تجارت، می‌توان گفت:

شرکت‌های دولتی تا آنجا که در اساس بنیان قید نشده باشد، شکل شرکت‌های تجارتي را دارند.

بنابراین به استناد ماده ۲ ل.ا.ق.ت. می‌توانند بازرگانی تلقی شوند.

در واقع شرکت دولتی که جهت انجام اعمال تصدی‌گری دولت تشکیل می‌شود، شرکتی است که پیش از پنجاه درصد از سرمایه آن متعلق به دولت باشد (دکتر اسکینی، ربیعاء، حقوق تجارت (کلیات...)، صص. ۹۴-۱۰۷).

۲- با توجه به مواد ۸۵ و ۸۶ ق.ا.ج. معامله تجاری صغیر ممیز باطل تلقی نمی‌شود؛ بلکه غیرنافذ است و با اذن قبلی ولی یا قیم دارای نفوذ و با اجازتی بعدی آنها قابل تنفیذ است (دکتر اسکینی، ربیعاء، حقوق تجارت (کلیات...)، ص. ۱۲۵).

۳- بعد از حدوث حجر، معاملات تجاری جدید از طرف نماینده قانونی محجور جایز نیست و نماینده قانونی محجور باید به اداره اموال اکتفا نماید؛

مگر آن‌که محجور از طرف خود قبل از حدوث

نماینده او را نمی‌توان تاجر تلقی کرد. در نهایت تجارت‌خانه باید یا به فروش برسد، یا به اجاره واگذار شود و یا به‌عنوان آورده به شرکتهای تجاری منتقل شود و محجور به‌عنوان شریک در شرکت تجاری سهیم گردد؛ زیرا در هیچ یک از این حالت‌ها عمل تجاری صورت نمی‌پذیرد (حقوق تجارت (کلیات...، ص. ۱۵۳).

البته در مورد محجوریت شریک یا شرکای ضامن در شرکت‌های تضامنی و مختلط غیر سهامی مواد ۱۴۰ و ۱۶۰ ق.ت. و در مورد محجوریت شریک یا شرکای نسبی در ماده ۱۸۹ ناظر به بند (و) ماده ۱۳۶ و ماده ۱۴۰ ق.ت. تعیین تکلیف گردیده است.

ولی از لحاظ اصول چون صفت تاجر از محجور سلب می‌شود باید مشمول مقررات اعسار گردد؛ زیرا شخص محجور را نمی‌توان مسئول معاملات خود قرار داد (دکتر ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، ج. اول، صص. ۳۶ و ۳۷).

به نظر دکتر ربیعا اسکینی؛ نماینده قانونی نمی‌تواند به نمایندگی از طرف محجور تجارت کند، چه تجارت مستلزم این است که شخص به حساب خود عمل کند، در حالی که نماینده محجور به حساب خود عمل نمی‌کند. بنابراین در این صورت با عدم امکان اداره تجاری تجارت‌خانه مزبور محسوم و اگر در عمل به تجارت پرداخته شود نه محجور و نه

کدام‌یک از عبارات زیر در مورد اشتغال خارجیان به تجارت در ایران، صحیح است؟

(سراسری ۱۳۸۴) (سردفتری ۱۳۹۷)

- ۱) اتباع خارجه حق اشتغال به تجارت در ایران ندارند.
  - ۲) اتباع خارجه فقط با مشارکت اتباع ایران می‌توانند به تجارت اشتغال یابند.
  - ۳) اتباع خارجه بدون محدودیت حق اشتغال به هر نوع تجارت در ایران دارند.
  - ۴) اتباع خارجه حق اشتغال به تجارت در ایران دارند مگر در زمینهایی که منع خاص وجود دارد.
- گزینه ۴ صحیح است.
- ۲ - با تقاضای شوهر، زن از اشتغال به تجارت خاص، به موجب حکم قطعی دادگاه ممنوع می‌شود. زن پس از این حکم، اقدام به انعقاد قرارداد در همان زمینه تجارت می‌کند. این قرارداد، با فرض وجود شرایط اساسی برای صحت معاملات، چه حکمی دارد؟
- (دکتری سراسری ۱۳۹۶)

- ۱) فقط در صورت آگاهی طرف معامله از حکم دادگاه، باطل است.
  - ۲) مطلقاً صحیح است.
  - ۳) مطلقاً باطل است.
  - ۴) غیرنافذ است.
- گزینه ۲ صحیح است. به موجب ماده ۱۱۱۷ ق.م. «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.»